



دوماهنامه علمی - پژوهشی

ش ۶ (پیاپی ۴۱)، بهمن و اسفند ۱۳۹۶، صص ۱۹۱-۲۱۴

عاملیت مترجم در پانویس‌ها و یادداشتهای مترجمان

ادبی معاصر در ایران

مزدک بلوری*

استادیار گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

پذیرش: ۹۶/۷/۱۱

دریافت: ۹۶/۳/۲۲

چکیده

این مقاله به بررسی عاملیت مترجمان ادبی معاصر در ایران بر مبنای مطالعه پانویس‌ها و یادداشتهای مترجمان می‌پردازد. هدف از پژوهش حاضر، نخست طبقه‌بندی محتوایی پانویس‌ها و یادداشتهای مترجمان، دلایل پانویس‌دهی در کتاب‌های ادبی است و پس از آن کوشش می‌شود بر مبنای داده‌های پژوهش، عاملیت مترجم - یعنی کارها، فعالیت‌ها، نقش‌ها و درک مترجم از خود - تحلیل شود. بدین منظور پانویس‌ها و یادداشتهای تعدادی از کتاب‌های ادبی که در چند دهه اخیر در ایران ترجمه و منتشر شده‌اند، استخراج و مطابق با مدل پالوپوسکی بررسی و تحلیل شد. نتایج نشان داد که محتوای پانویس‌ها را می‌توان به دو گروه کلی طبقه‌بندی کرد: ۱) مسائل مربوط به زبان، فرهنگ، جامعه و ادبیات مبدأ، ۲) مسائل مربوط به ترجمه اثر. توزیع و فراوانی پانویس‌ها در کتاب‌های بررسی‌شده بسیار متغیر بود و مهم‌ترین دلیل پانویس‌دادن پر کردن شکاف فرهنگی بین جوامع مبدأ و مقصد، کمک به درک بهتر جنبه‌های مختلف متن و توجیه تصمیم‌ها و انتخاب‌های مترجم تشخیص داده شد. مترجمان در موقعیت‌های مختلف عامل کارها و فعالیت‌های گوناگونی بودند و نقش پل ارتباطی بین فرهنگ‌ها، تسهیل‌کننده ارتباط بین فرهنگی، منتقد، آموزگار و راهنمای خواننده را برعهده گرفته بودند و به نظر می‌رسید کار ترجمه را، علاوه بر برگرداندن متن به زبان مقصد، مستلزم تلاش برای توضیح دادن مسائل مختلف در قالب پانویس و یادداشت می‌دانند و از همین رو، درک مخاطب از متن را وابسته به توضیحات خود قلمداد می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: عاملیت، عناصر پیرامنتی، پانویس، یادداشت مترجم، ترجمه ادبی.

۱. مقدمه

بررسی پیرامتن‌ها^۱، یعنی «مطالب کلامی و تصویری پیرامون [...] ترجمه‌های منتشرشده» (ظاهر گورچاگلار^۲، ۲۰۱۱: ۱۱۳) یکی از حوزه‌های پژوهشی جدید در مطالعات ترجمه است که می‌توان از آن در پژوهش‌های تجربی دربارهٔ متن‌های ترجمه‌شده استفاده کرد. ظاهر گورچاگلار (۲۰۰۲: ۴۶) پیرامتن‌ها را چنین تعریف می‌کند: «مطالب همراه با متن‌های ترجمه‌شده با هدف معرفی کردن آن‌ها و فراگفتن‌های خاص متن‌ها که مستقیماً در اطراف آن‌ها شکل می‌گیرد». از نمونه‌های بارز پیرامتن عنوان کتاب‌ها و عنوان‌های فرعی، اسامی مستعار، مقدمه کتاب‌ها، تقدیم‌نامه‌ها، سرنوشته‌ها، پیشگفتارها، پانویس‌ها، یادداشت‌های مترجم، مؤخره‌ها (مکسی^۳، نقل از ظاهر گورچاگلار، ۲۰۱۱: ۱۱۳)، جلد کتاب، صفحهٔ عنوان، پشت جلد، تصویر (ظاهر گورچاگلار، ۲۰۰۲) و نیز صفحه‌های سفید کتاب و تبلیغات (زانتین^۴، ۲۰۰۹: ۳۹) است. مطالعهٔ پیرامتن‌ها به پژوهشگران ترجمه امکان بررسی عناصری را می‌دهد که «بین متن‌های ترجمه‌شده و خوانندگانشان پلی می‌زنند و در نتیجه تاحد زیادی بر دریافت متن‌ها تأثیر می‌گذارند» (ظاهر گورچاگلار، ۲۰۱۱: ۱۱۳). با تمرکز بر چنین مطالبی می‌توان به اطلاعات وسیعی در بارهٔ ماهیت متن‌های ترجمه‌شده، تعریف ترجمه و مترجم در هر زمان و فرهنگ، هنجارهای ترجمه‌ای^۵، اهداف و عملکرد و نیز عاملیت^۶ مترجم دست یافت و ترجمه‌ها را از منظر تاریخی و ایدئولوژیکی مطالعه کرد.

پژوهش حاضر، از بین عناصر پیرامتنی بالا، بر پانویس‌ها و یادداشت‌های مترجمان در ترجمه‌های ادبی منتشرشده در چند دههٔ اخیر در ایران متمرکز می‌شود. هدف در وهلهٔ نخست دستیابی به اطلاعاتی دربارهٔ محتوا و علل گنجاندن پانویس‌ها و یادداشت‌ها و نیز فراوانی، توزیع و الگوهای پانویس‌دهی در کتاب‌های ادبی است و سپس کوشش می‌شود بر مبنای یافته‌های پژوهش، عاملیت مترجمان - یعنی کارها، فعالیت‌ها، نقش‌ها و درک مترجمان از وظایف خود - تحلیل شود.

برای این منظور، کوشش می‌شود که به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

(۱) چگونه می‌توان پانویس‌ها و یادداشت‌های مترجمان ادبی معاصر در ایران را از نظر محتوایی طبقه‌بندی کرد؟

۲) داده‌ها چه اطلاعاتی درباره توزیع و فراوانی پانویس‌ها و یادداشت‌ها و دلایل استفاده از آن‌ها به دست می‌دهند؟
 ۳) چگونه می‌توان بر مبنای داده‌های به‌دست‌آمده از پانویس‌ها و یادداشت‌ها، عاملیت مترجم ادبی معاصر را تحلیل کرد؟
 با توجه به یافته‌های پژوهشگران دیگر (برای مثال نک: پالوپوسکی، ۲۰۱۰)، پژوهش حاضر فرضیه زیر را مطرح می‌کند: دلیل اصلی پانویس‌دهی مترجمان ادبی در ایران توضیح جنبه‌های ناشناخته فرهنگ مبدأ برای خوانندگان زبان مقصد است و این کار مترجم ادبی را به عامل ارتباط بینا فرهنگی تبدیل می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر پیرامتن‌ها توجه تعدادی از پژوهشگران ترجمه را به خود جلب کرده‌اند و در مورد فرصت‌هایی که این حوزه از تحقیق در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد به تفصیل صحبت شده و بر این اساس پژوهش‌هایی انجام شده است. برای مثال، شفنر^۷ (۲۰۱۰) پژوهش درباره پیرامتن‌ها را راهی برای دستیابی به هنجارهای ترجمه‌ای می‌داند. او معتقد است:
 شناخت هنجارها، علاوه بر تحلیل منابع متنی، از طریق بررسی منابع برون‌متنی همچون ارزشیابی‌های ترجمه (مانند نقدها و مقاله‌ها) و پیرامتن‌ها (مانند یادداشت‌های مترجم، پانویس‌ها، پیشگفتارها) نیز امکان‌پذیر است. برای مثال، هرگاه مترجمی احساس کند که لازم است برخی از تصمیم‌های خاصی را که اتخاذ کرده است توجیه کند، این کار او را می‌توان نشانه‌ای از آگاهی او در مورد انتظارات «هنجارمند» تلقی کرد. در صورتی که مترجم تصمیمی بگیرد که با انتظارات مغایرت داشته باشد، یعنی در صورتی که بر خلاف هنجارهای غالب عمل کرده و نوعی رفتار نابهنجار از او سر زده باشد، توجیه‌ها غالباً در پانویس‌ها یا مقدمه‌ها آورده می‌شود (۲۰۱۰: ۲۳۹-۲۴۰).

داده‌های به‌دست‌آمده از این راه را می‌توان در کنار الگوهایی که از پیکره‌های متن‌های ترجمه‌شده استخراج می‌شود، به کار گرفت تا تصویر روشن‌تری از هنجارهای حاکم بر ترجمه در یک محیط و زمان خاص به‌دست آید. طاهر گورچاگلار (۲۰۱۱) نیز معتقد است پژوهشگران ترجمه برای یافتن هنجارهای ترجمه‌ای علاوه بر بررسی و تحلیل متن، می‌توانند از مطالب

برون‌متنی و منابع جنبی نیز بهره بگیرند. وی (۲۰۱۱: ۱۱۳) می‌گوید: «مطالعهٔ پیرامتن‌ها این چارچوب پژوهشی [بررسی متن] را کامل می‌کند و روش‌های ارائه‌شده ترجمه‌ها به خوانندگان را آشکار می‌سازد» و «پژوهشگر را از قاعده‌ها، مفاهیم و انتظارات جامعه از متن‌های ترجمه‌شده آگاه می‌کند».

طاهر گورچاگلار (۲۰۰۲) همچنین پیرامتن‌ها را برای پژوهش‌های تاریخی ترجمه و نیز آشکارساختن مفاهیم و تعاریف ترجمه در هر دوره و فرهنگ خاص و رسیدن به شناختی بهتر از تولید و دریافت متن‌های ترجمه‌شده سودمند می‌داند؛ زیرا معتقد است این عناصر برون‌متنی توجه پژوهشگر را به مفاهیمی چون «پدیدآوردگی^۱، اصالت^۲ و گمنامی^۳» که در متن ناپیدا هستند، جلب می‌کنند (۲۰۰۲: ۴۶). علاوه بر این‌ها، مطالب پیرامتنی اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ «شرایط تولید و مصرف‌شدن ترجمه‌ها» و «دیدگاه‌های ناشران و مترجمان در مورد ترجمه» و به‌طور کلی دربارهٔ مسائل مختلفی که خود متن‌ها اطلاعات چندانی درباره‌شان عرضه نمی‌کنند، به دست می‌دهد (همان: ۵۹). او خود به بررسی و مقایسهٔ پیرامتن‌ها در ادبیات ترجمه‌شدهٔ کلاسیک که وزارت آموزش و پرورش ترکیه تحت نظارت ادارهٔ ترجمه در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۶ منتشر کرده بود و پیرامتن‌ها در ادبیات عامیانهٔ ترجمه‌شده که در همان زمان در این کشور تولید شده است، می‌پردازد و نتایج جالبی دربارهٔ شیوهٔ بازاریابی و دریافت این کتاب‌ها به دست می‌آورد. مثلاً بررسی او نشان می‌دهد که در «جلدها و صفحه‌های عنوان آثار معیار، نام نویسنده به‌عنوان مهم‌ترین عنصر معرفی کتاب برجسته می‌شود [...] در حالی که بازاریابی ادبیات عامه‌پسند بر مبنای ژانر اثر صورت می‌گیرد» (همان: ۵۷). از این رو، نتیجه می‌گیرد که خوانندگان ادبیات جدی کتاب‌های خود را براساس منشأ و نویسندهٔ کتاب انتخاب می‌کنند؛ اما خوانندگان ادبیات عامه‌پسند بر مبنای ژانر اثر و نه با توجه به نویسندهٔ اثر به مطالعهٔ کتاب می‌پردازند.

کووالا^{۱۱} (۱۹۹۶) به بررسی پیرامتن‌ها در ادبیات انگلیسی-آمریکایی که در فاصلهٔ سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۳۹ به زبان فنلاندی ترجمه شده است، می‌پردازد. او می‌گوید مقدمه‌ها و یادداشت‌های مترجم ابزاری برای نزدیک کردن متن به خواننده‌اند و «انگیزهٔ اصلی یادداشت‌ها توضیح دادن عناصر فرهنگی‌ای است که مترجم گمان می‌برد برای خوانندگان ناشناخته باشند» (کووالا، ۱۹۹۶: ۱۲۵). او از پول، واحدهای اندازه‌گیری، عناوین و القاب، نام مکان‌ها و اشخاص و

سازمان‌ها به‌عنوان نمونه‌هایی از این عناصر فرهنگی نام می‌برد. سپس می‌کوشد این عناصر پیرامنتی را به بافت محیطی‌شان پیوند دهد و جنبه‌های ایدئولوژیکی کاربرد آن‌ها را مطالعه کند و به این نتیجه می‌رسد که ایدئولوژی‌های حاکم بر نهاد ادبی فنلاند در پیرامتن‌های به‌کارگرفته‌شده انعکاس یافته‌اند. برای مثال، به مقدمه کتاب *سفرهای کالیور*، اثر جانانان سوئیفت، اشاره می‌کند و می‌گوید مقدمه‌نویس استفاده سوئیفت از هجو در این اثر را با اشاره به تجربه‌های تلخ خود نویسنده و اهداف آموزشی‌اش توجیه می‌کند. از همین رو، مقدمه‌نویس این اثر را در قالبی می‌ریزد که با تصور خودش از اینکه «چه نوع ادبیاتی برای کودکان و جوانان مناسب است» تطبیق دارد (همان: ۱۳۹). کوالا معتقد است پژوهش درباره پیرامتن‌ها ممکن است بر شیوه انعکاس‌یافتن ایدئولوژی در گفتمان پیرامنتی یا بر یافته‌های این حوزه از تحقیق درباره نظام فرهنگی متمرکز شود (نک: همان: ۱۴۱).

هاروی^{۱۲} (۲۰۰۳: ۵۰-۵۱) عقیده دارد «آنچه جلد کتاب‌ها^{۱۳} «می‌گویند» و «نمایش می‌دهند» (و چگونگی آن)، همراه با آنچه پنهان می‌کنند یا برهم می‌زنند، برای هر پروژه کامل هرمنوتیک ترجمه، حیاتی است». او خود با تحلیل جلد چند کتاب به بررسی پیام‌های ایدئولوژیکی نهفته در آن‌ها می‌پردازد و از آنچه جلدها به ذهن خواننده می‌آورند و معانی و تداعی‌های آن‌ها برای مخاطب مقصد، سخن می‌گوید. گودایول^{۱۴} (نک: ۲۰۱۳: ۱۸۲) نیز بر لزوم جمع‌آوری، تحلیل و طبقه‌بندی مطالب پیرامنتی مترجمان زن، شامل مقدمه‌ها و یادداشت‌هایشان، با هدف روشن ساختن ایدئولوژی نهفته در پشت این مطالب تأکید می‌کند.

عناصر پیرامنتی در نظریه روایت^{۱۵} بیکر^{۱۶} (۲۰۰۶) ابزاری برای قاب‌بندی مجدد^{۱۷} روایت متن قلمداد می‌شود. طبق نظر او، «مقدمه‌ها، پیشگفتارها، پانویس‌ها، یادداشت‌ها و [...] طراحی جلد و نوشته‌های تبلیغاتی پشت جلد کتاب از جمله محل‌های متعددی است که مترجمان برای موضع‌گیری مجدد خود، خوانندگانشان و دیگر شرکت‌کنندگان در زمان و مکان در اختیار دارند» (۲۰۰۶: ۱۳۳). بیکر (۲۰۱۰: ۳۴۷) معتقد است که برای ساختن روایت‌های دلخواه از طریق ترجمه لزوماً نیازی به دستکاری کردن متن نیست؛ او می‌گوید: «غالباً از طریق مداخله در فضای پیرامون متن (پانویس‌ها، مقدمه‌ها، افزودن مطالب تصویری) و نیز از طریق خود عمل انتخاب متن‌ها برای ترجمه می‌توان چیزهای بیشتری حاصل کرد». وی (۲۰۰۶: ۴۳)، برای مثال، از کتابی با عنوان *سفرهایی در چین* نام می‌برد که قانون مجازات عمومی این کشور را

ناعادلانه توصیف می‌کند و تصویری منفی از مردم چین ارائه می‌دهد؛ با این حال، مترجم انگلیسی این اثر با نوشتن مقدمه‌ای می‌کوشد بر شباهت‌های چینی‌ها با مردم انگلستان و کژفهمی‌های خارجی‌ها درباره فرهنگ و جامعه چین سخن بگوید و با اضافه کردن پانویس‌هایی، ضمن انکار کردن گفته‌های نویسنده کتاب درباره جامعه چین، تصویر مثبت‌تر و جهانی‌تری از قوانین و شرایط این کشور و روایت مطلوب‌تری از جامعه چینی ارائه دهد.

پالوپوسکی^{۱۸} (۲۰۱۰) پانویس‌ها را در ترجمه ۹۸ کتاب داستان که از ۱۸۷۰ تا ۱۹۲۹م به زبان فنلاندی ترجمه و منتشر شده‌اند، بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که پانویس‌ها «بخشی از رویه طبیعی کار ترجمه و راهبرد ترجمه‌ای بالقوه‌ای بوده‌اند. مترجمان احساس کرده‌اند می‌توانند بدون آنکه حساسیت خواننده را برانگیزند، پانویس اضافه کنند؛ حتی ممکن است پانویس نوشتن را وظیفه خود تلقی کرده باشند» (همان: ۱۰۰). پالوپوسکی همچنین معتقد است که پانویس‌ها اطلاعات ارزشمندی درباره آنچه مترجمان گمان می‌کنند مخاطبانشان نمی‌دانند، اما لازم است که حتماً بدانند در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند و از این رو، «پنجره‌ای به درک مترجمان از مخاطبانشان و دیدگاه خود آن‌ها درباره وظایف و نقش‌هایشان می‌گشایند» (همان: ۹۰). به طور کلی پالوپوسکی دست‌کم دو مسیر را برای مطالعه پانویس‌ها مشخص می‌کند: «نمای کلی عمل پانویس‌دهی (در سطح ملی یا منطقه‌ای یا در دوره تاریخی مشخصی) و موردپژوهی‌ها در مورد ترجمه‌هایی که پانویس دارند» (همان: ۹۱). پیکره‌ای از پانویس‌های مترجمان که گردآوری آن نیز کار نسبتاً ساده‌ای است، به گفته پالوپوسکی، می‌تواند داده‌های لازم را برای مجموعه متنوعی از موضوع‌های پژوهشی فراهم آورد. برای مثال «مطالعه میزان رواج پانویس‌ها ممکن است الگوهای خواندن و پذیرفتگی را آشکار سازد: اگر پانویس‌ها به طور گسترده استفاده شده باشند، ممکن است [...] دست‌کم مورد پذیرش ویراستاران و خوانندگان باشند. در این صورت امکان دارد پانویس جزئی از تجربه طبیعی خواندن باشد» (پالوپوسکی، ۲۰۱۰: ۸۹). او از داده‌های به دست آمده از پژوهش خود برای مطالعه عاملیت مترجم استفاده می‌کند و «صدای» مترجمان را در پانویس‌ها و یادداشت‌هایشان می‌کاود. به عقیده او می‌توان از عناصر پیرامنتی همچون پانویس‌ها در کنار تحلیل متنی ترجمه‌ها استفاده کرد و اطلاعات ارزشمندی درباره فرایند تصمیم‌گیری مترجمان به دست آورد. او برای ترجمانی که در ترجمه‌های خود از پانویس استفاده می‌کنند نقشی عاملیتی قائل

است: «آنها قادر بودند (در صورتی که فرصت داشته باشند) تصمیم بگیرند که آیا افزودن حاشیه ضرورت دارد یا نه. اگر عاملیت را طبق تعریف کینونن و کاسکینن (۲۰۱۰: ۶) «رغبت به عمل کردن و توانایی عمل کردن» محسوب کنیم، آنگاه تصمیم مترجم درباره ضروری بودن یا نبودن افزودن چیزی به ترجمه‌اش به او عاملیت می‌بخشد. طبق نظر کینونن و کاسکینن، واژه رغبت در این تعریف بیانگر آگاهی و قصد مترجم است و ماهیتی فردی و روان‌شناختی به این جنبه از کار مترجم می‌دهد. واژه توانایی نیز مفهوم عاملیت را به مسئله قدرت یا فقدان قدرت ربط می‌دهد و رابطه ذاتی بین عاملیت و قدرت را برجسته می‌کند. «توانایی همچنین بر مفهوم انتخاب تأکید دارد» (کینونن و کاسکینن، ۲۰۱۰: ۷)؛ یعنی برای عاملیت داشتن باید بتوانیم بگویم که فلان عامل در فلان شرایط زمانی قادر بود به نحوی دیگر رفتار کند.

مترجمان، طبق نظر پالوپوسکی، همچنین ممکن است نقشی در «آموزش دادن، آشنا کردن و توضیح دادن بر عهده گرفته باشند» (۲۰۱۰: ۱۰۴). او می‌گوید که «پانویس‌ها ممکن است در موارد بسیاری صدایی دیگر، عقیده‌های مقاومتی و اظهارنظری تعیین‌کننده به کتابی که ترجمه شده است، بیفزایند» (همان‌جا). چنین مطالعاتی طبق گفته بوزلین (۲۰۱۱: ۹)، قادر است نشان دهد که «عاملیت مترجم چگونه می‌تواند خود را ابراز کند». به عقیده پالوپوسکی، مترجمان با استفاده از پانویس خود را همانند بازیگران قابل‌روئیت می‌کنند. هدف آنها از پانویس دادن را می‌توان از طریق تحلیل متنی و بافتی مطالعه کرد؛ به همین شکل، نگرش آنها به خوانندگانشان و اندیشه‌های آنها درباره نقششان در قبال مخاطبانشان را می‌توان از طریق مطالعه پانویس‌ها بررسی کرد (۲۰۱۰: ۱۰۴).

پالوپوسکی (۲۰۱۰: ۹۱) معتقد است پانویس‌های مترجم همچون «صدای دوم» او در متن عمل

می‌کنند. او بر مبنای تحقیقاتش به این نتیجه می‌رسد که مترجمان در انجام دادن بسیاری از وظایف خود عواملی فعال‌اند و با توجه به کاربرد گسترده پانویس در دوره موردنظرش در فنلاند، یعنی زمانی که ترجمه اهمیت بسیار ویژه‌ای در تعیین سرنوشت ادبی و سیاسی ملت فنلاند پیدا می‌کند، پانویس‌ها را «جزء جدایی‌ناپذیری از حرفه ترجمه‌ای فعالانه» قلمداد می‌کند (همان: ۱۰۵).

۳. چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب مطالعات جامعه‌شناختی ترجمه به بررسی عاملیت^{۱۹} مترجمان می‌پردازد. عاملیت طبق نظر پالوپوسکی، «بر اهمیت افرادی که در پشت متن‌ها هستند متمرکز می‌شود» و «تحقیق درباره کار مترجمان، فعالیت‌ها، نقش‌ها و درک آن‌ها از خودشان را شامل می‌شود» (پالوپوسکی، ۲۰۱۰: ۸۸). پالوپوسکی معتقد است عاملیت را می‌توان با روش‌هایی چون مصاحبه با مترجم یا مشاهده کردن او در محیط کارش بررسی کرد؛ اما برای مطالعه عاملیت مترجمان گذشته نیز می‌توان از انواع دیگر داده‌ها و روش‌ها، همچون بررسی پانویس‌ها و یادداشت‌های مترجمان، بهره گرفت. او می‌گوید: «اگر عاملیت را عادات روزانه، تصمیم‌ها و حتی کارهای روزمره مترجمان تلقی کنیم، مدارکی چون پیش‌نویس ترجمه‌ها، نامه‌ها و یادداشت‌ها منابع کافی برای مطالعه عاملیت مترجم در اختیارمان می‌گذارد» (پالوپوسکی، ۲۰۱۰: ۸۸).

۳-۱. عاملیت در پانویس‌ها و یادداشت‌ها

این پژوهش بر مبنای داده‌های جمع‌آوری‌شده از پانویس‌ها و یادداشت‌های مترجمان ادبی معاصر در ایران و مطابق با تعریف پالوپوسکی از عاملیت - یعنی کار مترجمان، فعالیت‌ها، نقش‌ها و درک آن‌ها از خودشان - به تحلیل عاملیت مترجمان ادبی می‌پردازد. پالوپوسکی این نوع عاملیت را به پیروی از کاسکینن (۲۰۰۰) «عاملیت پیرامنی» می‌نامد که «متشکل از نقش مترجمان در وارد کردن و اضافه کردن یادداشت‌ها و مقدمه‌ها [به متن] است» (پالوپوسکی، ۲۰۰۹: ۱۹۱). برای این منظور، کوشش می‌شود بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر با استفاده از مدل پالوپوسکی (۲۰۱۰) ابتدا فراوانی و توزیع پانویس‌ها مورد بررسی قرار گیرد؛ سپس به دسته‌بندی محتوایی پانویس‌ها و تعیین الگوهای پانویس‌دهی در کار مترجمان ادبی و بر چگونگی و دلایل گنجاندن پانویس‌ها در آثار ترجمه‌شده متمرکز شود: پانویس‌ها «به چه می‌پردازند [و] چگونه می‌توان آن‌ها را دسته‌بندی کرد» (همو، ۲۰۱۰: ۹۳). پس از آن می‌کوشد که بر اساس یافته‌های بخش اول عاملیت مترجم ادبی معاصر در ایران را تحلیل کند.

۴. پیکره و روش پژوهش

برای پاسخ‌دادن به پرسش‌های تحقیق، ۲۴ کتاب ادبی شامل رمان و مجموعه‌داستان که در سال‌های اخیر در ایران ترجمه و منتشر شده بودند، به صورت تصادفی از یک کتابخانه شخصی انتخاب شد. این کتاب‌ها در فاصله ۲۳ سال بین سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۹۵ به همت ۱۶ ناشر فعال ایرانی منتشر شده و حاصل کار ۲۱ نویسنده و ۲۳ مترجم‌اند. زبان مبدا این آثار انگلیسی، اسپانیایی، عربی، ایتالیایی، آلمانی و فرانسوی بود، هرچند که بیشترین تعداد کتاب‌ها از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده بود. فهرست کتاب‌های بررسی‌شده در این پژوهش در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: کتاب‌های بررسی‌شده در این پژوهش
Table 1: List of books examined in the study

عنوان کتاب	سال نشر	ناشر	عنوان کتاب	سال نشر	ناشر
۱ اتحادیه ابلهان	۱۳۹۱	به‌نگار	۲ صد سال تنهایی	۱۳۸۶	آریابان
۳ عشق سال‌های وبا	۱۳۸۶	آریابان	۴ توفان برگ	۱۳۸۳	چشمه
۵ خاطره دلبرکان	۱۳۸۶	نیلوفر	۶ دوبلینی‌ها	۱۳۷۲	نیلوفر
۷ اگر شبی از شب‌های زمستان مسافری	۱۳۸۰	آگه	۸ گنسی بزرگ	۱۳۷۹	نیلوفر
۹ حباب شیشه	۱۳۸۴	باغ نو	۱۰ گور به گور	۱۳۹۱	چشمه
۱۱ برفک	۱۳۹۵	چشمه	۱۲ عقاید یک دلک	۱۳۸۹	چشمه
۱۳ فرار کن، خرگوش	۱۳۸۷	ققنوس	۱۴ گریگوی پیر	۱۳۹۳	ماهی
۱۵ پنلوپید	۱۳۹۴	نی	۱۶ در قند هندوانه	۱۳۸۳	چشمه
۱۷ سال‌ها	۱۳۷۷	نگاه	۱۸ ناتور دشت	۱۳۷۷	نیلا
۱۹ زمین انسان‌ها	۱۳۷۸	نیلوفر	۲۰ وقت هرز	۱۳۹۴	شورآفرین
۲۱ فغان شرق	۱۳۸۳	معین	۲۲ دروزیان بلگراد	۱۳۹۵	افراز
۲۳ برلین برایم بزرگ بود	۱۳۹۱	قطره	۲۴ ام سعد	۱۳۸۷	رسش

در تماس با ناشران این ۲۴ کتاب، دربارهٔ عامل پانویس‌دهی در کتاب‌ها سؤال شد و پاسخ ناشران این بود که به‌طور کلی شخص مترجم پانویس‌ها را به کتاب‌ها می‌افزاید، مگر در موارد استثنایی که عامل دیگری مثلاً ادارهٔ کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ناشر بخواهد که مترجم پانویسی با فلان مضمون به متن اضافه کند؛ دربارهٔ کتاب‌های بررسی‌شده در این پژوهش، پاسخ ناشران این بود که مترجم‌ها پانویس‌ها را اضافه کرده‌اند. پانویس‌ها و یادداشت‌های هریک از این ۲۴ کتاب استخراج شد و در جدولی مانند جدول ۲ شامل پانویس‌های مترجم و قسمت‌هایی از متن اثر که مترجم پانویس‌ها را برای توضیح و تبیین آن‌ها در نظر گرفته بود، قرار گرفت؛ محتوای پانویس‌ها بر مبنای داده‌های استخراج‌شده طبقه‌بندی و نوع پانویس از نظر محتوایی در مقابل هر پانویس در جدول گنجانده شد (نک: جدول ۲). تعداد و درصد پانویس‌ها و یادداشت‌ها براساس محتوای آن‌ها محاسبه شد تا اطلاعات و آمار دقیقی دربارهٔ محتوای پانویس‌ها و یادداشت‌ها حاصل شود. دلایل پانویس‌دهی بر مبنای داده‌های به-دست‌آمده تحلیل شد؛ همچنین توزیع پانویس‌ها در هر کتاب و هر صفحه محاسبه شد و الگوهای پانویس‌دهی بر مبنای زبان‌ها و فرهنگ‌های مبدا مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود که آیا فراوانی و نحوهٔ پانویس‌دهی در کتاب‌ها براساس زبان‌های مبدأ مختلف تفاوتی پیدا می‌کند.

جدول ۲: نمونهٔ جدول گردآوری اطلاعات

Table2: Data collection sample

متن کتاب	پانویس مترجم	محتوای پانویس
۱ جانتن سویت	Jonathan Swift (۱۷۴۵-۱۶۶۷): کشیش و طنزنویس	حرف‌نویسی و توضیح نام نویسنده
۲ پلیموث	Plymouth: اتومبیلی قدیمی ساخت کمپانی کرایسلر	حرف‌نویسی و توضیح برند اتومبیل
۳ مک کارتی	Joseph McCarthy: یکی از بدنام‌ترین سیاستمداران آمریکایی که زیروبالای آمریکا را به دنبال کمونیست‌ها شخم زد. دوران او به دوران مک‌کارتیسم مشهور است.	حرف‌نویسی و توضیح شخصیت سیاسی
۴ پلایو	Pelayo	حرف‌نویسی نام شخصیت داستان

متن کتاب	پانویس مترجم	محتوای پانویس
جهان و دلبران جهان The world and its mistress و در ترجمه فرانسه معادل انگلیسی و توضیح و	chacun avec sa maitresse مترجم متأسفانه این	توجیه ترجمه
	عبارت را به صورت قالبی در هیچ کتاب لغتی نیافت.	
	نزدیکترین اصطلاحی که مترجم در مراجع یافت این	
	است: all the world and his wife، به معنی همه مردم.	

سپس از یافته‌های پژوهش برای تحلیل عاملیت مترجم ادبی در ایران معاصر استفاده شد. در این‌جا محتوای پانویس‌ها مورد بررسی قرار گرفت تا بر مبنای آن عملکرد مترجم مشخص شود. برای مثال مترجم کتاب *حباب شیشه* در توضیح واژه «روزنبرگ‌ها» در پانویس آورده است: «زن و شوهری که به جرم جاسوسی در آمریکا اعدام شدند»؛ این مترجم اطلاعاتی درباره شخصیت‌ها و واقعه‌ای تاریخی در اختیار خواننده گذاشته و نقش آموزگار تاریخ و فرهنگ مبدأ را برعهده گرفته است. مترجم تصمیم گرفته است که افزودن حاشیه و توضیح به متن برای درک خواننده ضروری است و از این رو صدای خود را در متن انعکاس داده و عاملیت پیدا کرده است. مترجمی که در توضیح عبارت «آقای چارلی» می‌نویسد: «کنایه از سفیدپوست برده‌دار»، نقش راهنمایی را بر عهده می‌گیرد که در خواندن و درک بهتر متن به خواننده کمک می‌کند. مترجم دیگری که صفت «کور» را درباره خیابان به‌کار برده است، در توجیه انتخاب خود این پانویس را می‌آورد:

شاید انتخاب کلمه «کور» به جای «بن‌بست» در فارسی چندان مناسب نباشد؛ اما این کلمه در ویراستاری متن به این دلیل انتخاب گردید که با مضمون داستان متناسب باشد. جویس آگاهانه کلمه blind را به جای dead end به کار برده است تا نشان دهد که شخصیت داستان نیز مانند خیابانی که در آن زندگی می‌کند کور است (صفریان و حسینی، ۱۳۷۲: ۲۸۳).

در این‌جا مترجم با اشاره به مقصود نویسنده داستان، معادل انتخاب‌شده خود را توجیه می‌کند و ضمن اینکه آگاهی خود را از مسائل ادبی نشان می‌دهد، نقش آموزگار ادبیات و منتقد ادبی را نیز ایفا می‌کند. مترجم به عاملی تبدیل می‌شود که کارهایی علاوه بر برگرداندن متن به زبان مقصد، مانند توضیح و آموزش دادن را بر عهده می‌گیرد و «رغبت» و «توانایی» خود به عمل کردن را وارد کار ترجمه می‌کند.

۵. یافته‌های تحقیق و تحلیل داده‌ها

از کتاب‌های بررسی‌شده در این پژوهش در کل ۲۳۳۸ پانویس و یادداشت استخراج شد. تعداد صفحات این ۲۴ کتاب جمعاً ۶۹۰۱ صفحه بود، در نتیجه در هر ۲/۹۵ صفحه یک پانویس وجود داشت که آمار بسیار بالایی است. این تعداد بالای پانویس‌ها و یادداشت‌ها را می‌توان بر مبنای نوع ادبیات بررسی‌شده توضیح داد؛ زیرا کتاب‌هایی که در این‌جا مورد بررسی قرار گرفتند همه نمونه‌هایی از ادبیات معیار^{۲۰} و جدی جوامع مبدأ خویش بودند، به‌نظر می‌رسد مترجمان ادبی نیاز به توضیح دادن دربارهٔ این آثار و جنبه‌های گوناگون آن‌ها را بیشتر احساس کرده‌اند و از همین رو، تعداد پانویس‌ها بسیار زیاد بوده است. توزیع پانویس‌ها و یادداشت‌ها در کتاب‌ها بسیار متغیر بود؛ برای مثال یکی از کتاب‌ها هیچ پانویسی نداشت و کتاب دیگری فقط یک پانویس داشت، در حالی که برخی کتاب‌ها بیش از دویست یا سیصد پانویس و یادداشت داشتند. نکتهٔ جالب این بود که یکی از مترجم‌ها دو کتاب از یک نویسنده ترجمه و هر دو کتاب را یک ناشر در یک سال منتشر کرده بود؛ اما یکی از کتاب‌ها ۱۰۷ پانویس و دیگری هیچ پانویسی نداشت، در حالی که هر دو کتاب به یک اندازه دارای عناصر و جنبه‌هایی بودند که نیاز به توضیح داشتند. به‌طور کلی تعداد پانویس‌ها در کتاب‌ها بسیار متغیر بود؛ تعدادی از کتاب‌ها ۸، ۱۹، ۴۹، ۵۹، ۶۹ یا ۹۸ پانویس داشتند، در حالی که تعدادی دیگر ۱۹۹، ۲۶۸، ۳۳۹ یا ۳۵۵ یادداشت و پانویس را در خود جا داده بودند. اما هر کتاب به‌طور متوسط ۹۷/۴۱ پانویس یا یادداشت داشت؛ تعداد بالای این عناصر پیرامنتی در کتاب‌ها احتمالاً به این معناست که مترجمان ادبی ایرانی به اضافه کردن مطالب خود به کتاب‌های ترجمه‌شده، تمایل زیادی دارند و مخاطبان‌شان نیز با افزوده‌شدن این مطالب پیرامنتی مخالفتی ندارند؛ از این گذشته، به‌نظر می‌رسد که مترجمان پانویس‌دهی را وظیفهٔ خود تلقی می‌کنند و آن را بخشی از کار حرفه‌ای ترجمه می‌دانند.

از ۲۳ کتابی که دارای پانویس بودند، دو کتاب علاوه‌بر پانویس‌ها در انتهای کتاب یادداشت‌های مفصل مترجم همراه با مقالاتی در نقد اثر، «توضیحات» دربارهٔ زندگی نویسنده، «فهرست آثار»، نامه‌های نویسنده و «برگزیدهٔ مآخذ و منابع» دربارهٔ اثر را نیز آورده‌اند. در انتهای کتاب دیگری «یادداشت نویسنده»، «دربارهٔ نویسنده» و «حواشنی و تعلیقات» برگرفته از

کتابی دیگر که در ایران ترجمه شده است، نیز آمده است. یکی از کتاب‌ها نیز پانویس‌ها را به توضیحات مترجم درباره عناصر مختلف متن اختصاص داده و حرف‌نویسی اسامی خاص به زبان فرانسه را در داخل متن بلافاصله پس از هر نام خاص قرار داده است. در باقی کتاب‌ها همه توضیحات مترجم در قالب پانویس آمده است.

محتوای پانویس‌ها و یادداشت‌های مترجمان به دو گروه اصلی طبقه‌بندی شد: (۱) توضیح مسائل مربوط به زبان، فرهنگ، جامعه و ادبیات مبدأ؛ (۲) توضیحات مترجم درباره مسائل مربوط به اثر و ترجمه آن. هریک از این دو گروه به طبقه‌بندی‌های جزئی‌تری که همه جنبه‌های فرهنگ مبدأ و ترجمه اثر را در بر می‌گرفت، تقسیم شد و ۲۹ مقوله محتوایی فرعی برای پانویس‌ها و یادداشت‌ها به دست آمد. از آنجا که تعدادی از پانویس‌ها شامل توضیحاتی درباره بیش از یکی از این مقوله‌ها بودند، این موارد در محاسبه آماری تعداد پانویس‌های هر مقوله به دو یا بیش از دو مقوله اختصاص داده شدند و در نتیجه تعداد ۲۳۳۸ پانویس و یادداشت استخراج‌شده از کتاب‌ها به ۲۴۸۶ مورد افزایش یافت. مقوله‌های محتوایی اصلی و فرعی پانویس‌ها و یادداشت‌ها در زیر آمده است:

۵-۱. توضیح مسائل مربوط به زبان، فرهنگ، جامعه و ادبیات مبدأ

(۱) حرف‌نویسی^{۲۱} نام شخصیت‌های داستان

(۲) حرف‌نویسی و توضیح نام مکان‌ها: کشورها، استان‌ها، ایالت‌ها، شهرها، جزیره‌ها، دهکده‌ها، بندرها، مناطق جغرافیایی، مناطق شهری، محله‌ها؛ و نیز جنگل‌ها، کوه‌ها، چشمه‌ها، مرداب‌ها، پارک‌ها، رودخانه‌ها، تپه‌ها، دماغه‌ها، خلیج‌ها، دره‌ها، دریاها؛ و همچنین مناطق شهری مانند خیابان، کوچه، میدان، بنای یادبود، هتل، رستوران، تئاتر، مدرسه، فروشگاه، زندان، پل، کافه، ایستگاه، کالج، دانشگاه، بانک، کاخ، قبرستان، دروازه، سالن ورزشی، باغ‌وحش، کتاب‌فروشی، کلوب، داروخانه، گذر، بنگاه تجاری، شرکت و عمارت.

(۳) حرف‌نویسی و توضیح نام شخصیت‌های هنری، ادبی، فرهنگی، مذهبی، تاریخی، سیاسی، نظامی، صنعتی و علمی، مانند شاعران، نویسندگان، نمایش‌نامه‌نویس‌ها، مترجمان، مورخان، آهنگسازان، خوانندگان، موسیقی‌دانان، بازیگران، کارگردانان، رقصندگان، پیکرتراشان، نقاشان، دانشمندان، کشیشان، فیلسوفان، سیاستمداران، شاهان، ملکه‌ها، معماران،

جهانگردان، روان‌شناسان، روزنامه‌نگاران و میلیونرها.

۴) حرف‌نویسی و توضیح عناصر فرهنگی مانند جشن‌ها، رسوم، عیدها، جشنواره‌ها، سنت‌ها، مراسم، مسائل فرهنگی و مذهبی، دعا‌های مذهبی، افسانه‌ها، باورهای عامیانه، وقایع تاریخی، شخصیت‌ها و موجودات افسانه‌ای، شخصیت‌های اساطیری، فرشته‌ها، خدایان، فرقه‌های مذهبی، جدال‌های قومی، اقوام، نژادها، احزاب سیاسی، سلسله‌های پادشاهی و دوره‌های تاریخی، تمدن‌های کهن و مفاهیم و رویدادهای اساطیری؛ همچنین اثر هنری، ادبی، سینمایی و نیز ترانه، سرود مذهبی، گروه موسیقی، واحد اندازه‌گیری، واحد پول، زبان، لهجه، غذا، نوشیدنی، دسر، کشتی تفریحی، خط کشتی‌رانی، وسیله نقلیه، مسابقه؛ و نیز انواع مدرسه، مغازه، ترانه، رقص، رمان، روزنامه، مجله، ساختمان، خانه، قلعه، پادگان، مزرعه، قانون، بازی، ورزش، اقامتگاه، مدال، نمایش‌نامه، مجسمه؛ و همچنین محافل ادبی، سازمان‌ها، عهدنامه‌ها، جوایز، ماه‌های تقویمی، تقسیمات کشوری، واحدهای نظامی و کانون‌ها.

۵) حرف‌نویسی و توضیح اشیاء: مانند انواع لباس، پارچه، سکه، پول، آلت موسیقی، سنگ قیمتی، شیء تاریخی، آلت شکنجه، ابزار نجاری، وسیله تقطیر، تصویرها و دستگاه‌ها.

۶) توضیح تلمیح‌های ادبی، کنایه‌ها، بازی با کلمات، اشاره‌های ادبی یا مذهبی، آرایه‌های ادبی، مکاتب شعری و نیز تضاد و جناس و الگوها و انواع ادبی، جوایز ادبی.

۷) حرف‌نویسی و توضیح گونه‌های جانوری و گیاهی و میوه‌ها.

۸) حرف‌نویسی و توضیح عناوین و لقب‌ها: مانند القاب مذهبی و اشرافی یا لقب شهرها و زندان‌ها.

۹) حرف‌نویسی و توضیح اصطلاحات تخصصی موسیقی، مذهبی، زبانی، پُستی، نظامی، پزشکی، روان‌شناسی، سیاسی، هوانوردی و نیز اصطلاحات حوزه تئاتر، کامپیوتر، هندسه، کتاب مقدس، معماری، فیزیک و اسب‌سواری.

۱۰) توضیح سمبل‌ها، نشان‌ها، نمادها، رمزها و وجه تسمیه؛ و نیز سبک‌های هنری، معماری و مجسمه‌سازی.

۱۱) حرف‌نویسی و توضیح مارک‌های تجاری و برندهای اتومبیل، هواپیما، لباس، لوازم بهداشتی، سلاح، عطر، نوشیدنی، شکلات، آدامس، گرامافون و چرخ خیاطی.

۱۲) ارجاع به آیات قرآن و کتاب مقدس، ترجمه فارسی آیات.

۱۳) حرف‌نویسی و توضیح علامت‌های اختصاری و اسامی مخفف همراه با نام کامل عبارت مخفف‌شده.

۱۴) متن مبدأ آوازه‌ها، شعرها، ترانه‌ها، سرودها و نیز ترجمه فارسی آن‌ها.

۲-۵. توضیحات مترجم درباره مسائل مربوط به اثر و ترجمه آن

۱) توضیح درباره معادل انتخاب‌شده یا برساخته مترجم و توجیه آن؛ توضیح درباره علت استفاده از ساختاری خاص در ترجمه.

۲) توضیح مترجم درباره منظور یا قصد نویسنده یا شخصیت‌های داستان؛ توضیح دلالت‌ها و تلویحات؛ حدس مترجم درباره اشاره‌های متن به افراد و چیزهای مختلف.

۳) معادل خارجی واژه‌ها، نام‌ها و عبارت‌های ترجمه‌شده معمولاً با هدف توضیح معنا یا رفع ابهام یا برای اینکه مشخص شود واژه به‌کاررفته اصطلاحی خاص است.

۴) توضیح معنای واژه‌های خارجی حرف‌نویسی‌شده در متن ترجمه فارسی و در مواردی ارائه معادل فارسی برای آن‌ها.

۵) توضیح معنای واژه یا عبارتی که به زبان خارجی در متن فارسی آمده است؛ ترجمه فارسی عنوان کتاب‌هایی که در متن به زبان خارجی نوشته شده است همراه با توضیح درباره آن‌ها.

۶) عناوین اصلی کتاب‌ها، مجله‌ها، شعرها، ترانه‌ها، اپراها، جایزه‌ها، سازمان‌ها و آکادمی‌ها؛ همچنین حرف‌نویسی عنوان کتاب‌ها یا ترانه‌ها؛ و نیز توضیح درباره آن‌ها، خالق اثر و شخصیت‌هایشان.

۷) توضیح درباره اشتباهات دستوری، زبانی و تلفظی شخصیت‌های داستان و عواقب این اشتباهات و نیز توجیه ترجمه مترجم؛ توضیح اشتباهات نویسنده.

۸) توضیح درباره خاستگاه و منشأ واژه‌ها و عبارت‌ها؛ توضیح درباره شعرها، شخصیت‌های واقعی و آثار ادبی‌ای که منشأ واژه یا عبارت استفاده‌شده در متن‌اند.

۹) توضیح درباره نویسنده، مثلاً زندگی او؛ توضیح درباره شخصیت‌های داستان، پوشش و رفتارهایشان و شباهت آن‌ها با شخصیت‌های داستانی دیگر؛ همچنین استفاده از شخصیت‌ها در آثار دیگر نویسنده.

- ۱۰) اذعان به نارسایی معادل انتخاب‌شده و توضیح کامل مفهوم واژه متن مبدأ؛ پژوهش طلبیدن به دلیل انتخاب معادلی در ترجمه.
- ۱۱) توضیح معنای واژه فارسی به‌کار گرفته شده؛ ارائه معادل انگلیسی برای واژه‌های فارسی ناآشنا.
- ۱۲) توضیح مضامین اثر نویسنده و همچنین ترانه‌ها، داستان‌های مذهبی و نمایش‌نامه‌ها.
- ۱۳) توضیح درباره لهجه‌ها و اصطلاحات متداول در جامعه مبدأ.
- ۱۴) توضیح درباره ترجمه‌های اثر به زبان‌های دیگر؛ توضیح درباره آثار ترجمه شده نویسنده به زبان فارسی؛ ارجاع به ترجمه‌های موجود در بازار و برگرفتن متن از آن‌ها.
- ۱۵) توضیح درباره ناسزا بودن کلمه‌ای که در متن با سه‌نقطه مشخص شده است
- تعداد پانویس‌ها و یادداشت‌ها در هریک از مقوله‌های اصلی و فرعی همراه با درصدهای محاسبه‌شده برای آن‌ها در جدول ۳ آمده است. همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد، ممکن است یکی از یادداشت‌های مترجمان، برای مثال، هم اصطلاحی مذهبی را توضیح بدهد هم به آیه‌ای از کتاب مقدس اشاره کند. مثلاً در توضیح واژه «شمعونی» در کتاب *دوبلینی‌ها* اثر جیمز جویس چنین یادداشتی در انتهای کتاب گنجانده شده است:
- شمعونی^{۲۲} عبارت است از تجارت نامشروع دنیوی از امور مذهبی. وجه تسمیه این اصطلاح به شخصی به نام شمعون، یکی از جادوگران سامری، مربوط می‌شود. وی که از دیدن آیات و قوات عظیمه رسولان مسیح به حیرت می‌افتد، مبلغی پیش ایشان می‌آورد و می‌گوید: «مرا نیز این قدرت دهید که به هرکس دست گزارم روح‌القدس را بیابد». پطرس به او می‌گوید: «زرت با تو هلاک باد چون که پنداشتی عطای خدا به زر حاصل می‌شود» (رک: اعمال رسولان، ۱۸/۸-۲۰).
- این یادداشت هم در مقوله «اصطلاحات تخصصی» و هم در طبقه «ارجاع به آیات کتاب مقدس» قرار گرفته است و درواقع دو یادداشت محسوب شده است؛ زیرا می‌توان آن را در دو مقوله قرار داد. علت افزایش یافتن تعداد پانویس‌ها و یادداشت‌ها به ۲۴۸۶ مورد همین است.

جدول ۳: طبقه‌بندی محتوایی پانویس‌ها و یادداشت‌ها همراه با تعداد و درصد آن‌ها

Table3: Classification of the content of the footnotes and notes, frequencies and percentages

درصد کلی	تعداد کل	درصد	تعداد پانویس‌ها و یادداشت‌ها	موارد توضیح داده‌شده	
۸۷/۶۹٪	۲۱۸۰	۳۸/۶۶٪	۸۴۳	شخصیت‌های داستان	توضیحات مربوط به زبان، فرهنگ، جامعه و ادبیات مبدأ
		۲۶/۷۴٪	۵۸۳	مکان‌ها	
		۱۰/۵۰٪	۲۲۹	شخصیت‌های فرهنگی	
		۱۴/۱۷٪	۳۰۹	عناصر فرهنگی	
		۱/۳۷٪	۳۰	اشیا	
		۱/۴۶٪	۳۲	تلمیح‌ها و آرایه‌های ادبی	
		۱/۱۰٪	۲۴	گونه‌های جانوری و گیاهی	
		۰/۷۷٪	۱۷	عناوین و لقب‌ها	
		۲/۰۱٪	۴۴	اصطلاحات تخصصی	
		۰/۵۹٪	۱۳	سمبل‌ها، نمادها، سبک‌ها	
		۱/۰۵٪	۲۳	مارک‌های تجاری	
		۰/۶۴٪	۱۴	آیات قرآن و کتاب مقدس	
		۰/۴۱٪	۹	علامت‌های اختصاری	
۰/۴۵٪	۱۰	متن مبدأ/ترجمه اشعار			
		۵/۲۲٪	۱۶	معادل یا ساختار انتخاب‌شده	توضیحات مربوط به ترجمه اثر
		۱۰/۴۵٪	۳۲	منظور یا اشاره نویسنده	
		۳۲/۶۷٪	۱۰۰	معادل خارجی واژه‌ها	
		۱۲/۴۱٪	۲۸	معنای واژه حرف-	

درصد کلی	تعداد کل	درصد	تعداد پانویس‌ها و یادداشت‌ها	موارد توضیح داده‌شده
۱۲/۳۰٪	۳۰۶			نویسی شده
		۳/۵۹٪	۱۱	معنا یا ترجمه واژه خارجی
		۱۵/۰۳٪	۴۶	عناوین اصلی کتاب‌ها
		۲/۹۴٪	۹	اشتباهات شخصیت‌ها یا نویسنده
		۳/۵۹٪	۱۱	خاستگاه و منشأ واژه‌ها
		۳/۹۲٪	۱۲	توضیح درباره نویسنده و شخصیت‌ها
		۰/۹۸٪	۳	عذرخواهی و انعام به نارسایی کار مترجم
		۱/۹۶٪	۶	معنای واژه فارسی
		۲/۶۱٪	۸	مضامین اثر
		۰/۹۸٪	۳	لهجه‌ها و اصطلاحات
		۱/۳۰٪	۴	ترجمه‌های دیگر
		۲/۲۸٪	۷	ناسزا بودن واژه‌ای که در متن نیامده
	۲۴۸۶			

همان‌طور که در جدول دیده می‌شود، بیش‌تر پانویس‌ها و یادداشت‌ها (۸۷/۶۹٪) به توضیح زبان، فرهنگ، جامعه و ادبیات مبدأ می‌پردازند. از این‌رو، به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل پانویس دادن و یادداشت نوشتن مترجمان پرکردن شکاف فرهنگی بین جوامع مبدأ و مقصد و کمک به درک بهتر خواننده از جنبه‌های مختلف فرهنگ مبدأ باشد. از آن‌جا که خواننده عضوی از جامعه مبدأ نیست و به گمان مترجم از بسیاری از مسائل فرهنگ مبدأ همچون نام مکان‌ها، شخصیت‌ها و عناصر فرهنگی، عناوین و لقب‌ها، مارک‌های تجاری و امثال این‌ها آگاه نیست، مترجم هر آنچه را خواننده نیاز دارد تا اطلاعاتی همسنگ دانسته‌های فرهنگی اعضای جامعه مبدأ داشته باشد، در اختیار او می‌گذارد تا اثر ترجمه‌شده برایش معنادارتر و قابل‌درک‌تر شود و بتواند

بهتر با آن ارتباط برقرار کند. باقی پانویس‌ها و یادداشت‌ها (۱۲/۳۰٪) به توضیحات مترجم درباره ترجمه‌اش از اثر و توجیه کار خود از جمله معادل‌یابی‌ها و انتخاب‌هایش و توضیح معنای واژه‌ها و مضامین و منظور نویسنده و اشاره‌های متن مربوط می‌شود. در اینجا نیز مترجم علاوه بر اینکه به خواننده کمک می‌کند تا مضامین و مفاهیم متن را بهتر بفهمد، آگاهی خود از مسائل ترجمه و شناخت خود از جنبه‌های ادبی اثر را به نمایش می‌گذارد و در مواردی که از هنجارهای حاکم بر ترجمه یا هنجارهای متن‌نویسی و معادل‌گزینی در ترجمه عدول می‌کند، تصمیم‌ها و انتخاب‌های خود را توضیح می‌دهد و از آن‌ها دفاع می‌کند.

بیش‌ترین تعداد پانویس‌هایی که به توضیح زبان، فرهنگ، جامعه و ادبیات مبدا می‌پردازند به حرف‌نویسی اسامی خاص متن مبدأ مربوط بود. علت این پدیده را شاید بتوان در تفاوت الفبای فارسی با الفبای بیشتر زبان‌های مبدأ این آثار - یعنی زبان‌های اروپایی بررسی‌شده در این پژوهش - جست‌وجو کرد. از آن‌جا که اسامی خاص متن مبدأ با الفبای فارسی در متن ترجمه ظاهر می‌شوند، مترجم با آوردن صورت مبدأ این اسامی به خواننده در درست خواندن اسم کمک می‌کند و صورت اصلی آن را در اختیارش می‌گذارد. چنین پانویس‌هایی در ترجمه از زبان عربی که با زبان فارسی الفبایی یکسان دارد، دیده نشد؛ زیرا بیشتر اسامی خاص عربی، مانند حامد، رجب، انیسه، در فارسی نیز اسامی متداولی هستند و از همین‌رو، پانویس دادن برای آن‌ها ضروری نبوده است. اضافه کردن صورت اصلی اسامی خاص زبان‌های اروپایی در مواردی بسیار ضروری است؛ زیرا در غیر این صورت ممکن است خواننده اسم خاص را با واژه‌ای فارسی اشتباه بگیرد؛ فردی (Fredie)، کلی (Clay) و روزی (Rosy) از نمونه‌های این دست اسامی خاص‌اند.

تعداد پانویس‌ها در کتاب‌هایی که از زبان‌های غربی (انگلیسی، اسپانیایی، ایتالیایی، فرانسوی، آلمانی) به فارسی ترجمه شده بودند، در مقایسه با کتاب‌های ترجمه‌شده از زبان عربی بسیار بیشتر بود. در کتاب‌های ترجمه‌شده از زبان‌های اروپایی-آمریکایی در هر ۲/۷۱ صفحه یک پانویس یافت شد، در حالی‌که در کتاب‌های ترجمه‌شده از عربی در هر ۱۴/۵۷ صفحه یک پانویس وجود داشت. این پدیده را شاید بتوان با اشاره به تفاوت‌های فرهنگی بیشتر بین فرهنگ ایرانی و فرهنگ‌های اروپایی-آمریکایی از یک‌سو و اشتراکات فرهنگی و مذهبی فرهنگ ایران با فرهنگ‌های عربی از سوی دیگر توضیح داد. مترجمان کتاب‌های عربی در

بیشتر موارد خود را از توضیح دادن مسائل مذهبی، اعتقادی و فرهنگی همچون مناسک مذهبی و اعیاد و رسوم بی‌نیاز دیده‌اند؛ زیرا احساس کرده‌اند که خواننده خود با این عناصر فرهنگی آشنایی دارد. در مقابل مترجمان کتاب‌های اروپایی-آمریکایی احساس کرده‌اند تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی فرهنگ‌های مبدأ و مقصد بیشتر است و نیاز به توضیحات بیشتر دارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که مترجمان ادبی با افزودن پانویس و یادداشت نقش پل ارتباطی بین فرهنگ مبدأ و مقصد را برعهده می‌گیرند و عامل معرفی عناصر فرهنگی مبدأ به خوانندگان جامعه مقصدند. مترجم با توضیح دادن مسائل فرهنگی، ادبی و زبانی جامعه مبدأ به مخاطب در درک بهتر آثار ترجمه شده کمک می‌کند. بیشتر مترجمانی که در این پژوهش آثارشان مورد بررسی قرار گرفت، ترجمه ادبی را فعالیتی شامل برگرداندن متن و اضافه کردن مطالب پیرامونی در اطراف متن با هدف توضیح و تشریح جنبه‌های مختلف آن محسوب می‌کنند و از همین رو برای خود نقشی عاملیتی قائل‌اند. به بیان دیگر، پانویس‌دهی و یادداشت‌نویسی جزئی از فعالیت‌ها، کارها و عادات روزانه و حرفه‌ای مترجمان ادبی است و آن‌ها را به عاملی که نقش‌های متعددی برعهده می‌گیرد، تبدیل می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

تعداد زیاد پانویس‌ها و یادداشت‌های مترجمان در آثار بررسی شده در این پژوهش، نشان می‌دهد که احتمالاً خوانندگان ایرانی ادبیات ترجمه شده و همچنین ناشران و ویراستاران با حواشی مترجمان مخالفتی ندارند و آن را بخشی از فرایند طبیعی ترجمه می‌دانند. از این گذشته، خوانندگان انتظار دارند مترجم بخش‌هایی از متن را که از نظر فرهنگی، زبانی یا ادبی برای آن‌ها ناشناخته و مبهم است، توضیح دهد؛ این انتظار خوانندگان بر کار حرفه‌ای مترجمان تأثیر می‌گذارد. هنجارهای حرفه‌ای^{۳۳} تحت نظارت هنجارهای انتظار^{۳۴} عمل می‌کنند (نک: شاتلورث و کاوی، ۱۹۹۷: ۱۳۲) و مترجم می‌کوشد کار حرفه‌ای خود را به گونه‌ای پیش ببرد که انتظارات مخاطبانش را برآورده کند. طبیعتاً نخستین انتظار خواننده این است که متن را به درستی درک کند، از این رو، مترجم هر آنچه را لازم است به متن اضافه می‌کند تا هم به انتظارات خواننده

پاسخ دهد و هم رضایت او را از خواندن ترجمه خویش جلب کند. این کار مترجم به او نوعی عاملیت می‌بخشد و «صدای» او را در متن انعکاس می‌دهد؛ در نتیجه، مترجم به عاملی تبدیل می‌شود که نقشی فراتر از برگرداندن متن به زبان مقصد دارد. او نقش پل ارتباطی بین فرهنگ‌ها، تسهیل‌کننده ارتباط بین‌فرهنگی، سفیر فرهنگی، منتقد، آموزگار و راهنما را برعهده می‌گیرد؛ کوچ‌نشینی که از سرزمین‌های دور تحفه‌ای به ارمغان می‌آورد و خواننده را با دنیایی جدید آشنا می‌کند. از این رو، کار مترجم فقط جنبه زبانی ندارد؛ مترجم عاملی است که نقشی فرهنگی ایفا می‌کند و در نتیجه این ایفای نقش حضورش در متن پررنگ‌تر و پیداتر می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مترجم را نمی‌توان فقط دوزبانه‌ای محسوب کرد که به کمک فرهنگ لغات متنی را از زبانی به زبان دیگر برمی‌گرداند؛ مترجم را باید متخصص دوزبانه و دوفرنه‌ای دانست که قادر است نقش‌هایی بسیار فراتر از آنچه در نگاه سنتی به مترجم تصور می‌شد، برعهده بگیرد.

این وضعیت در نگاه مترجمان به خودشان و خواننده‌هایشان و همچنین دیدگاه آن‌ها درباره ترجمه ادبی تأثیر می‌گذارد. مترجم خود را متخصصی می‌بیند که به مسائل فرهنگی، زبانی و ادبی جامعه مبدأ و اثر ترجمه شده تسلط دارد و می‌تواند به خواننده غیرمتخصص در درک بهتر متن و جنبه‌های گوناگونش کمک کند. از نظر او، خواننده به‌تنهایی توان پیش‌رفتن در این مسیر را ندارد و حتماً لازم است راهنمایی داشته باشد. از این گذشته، او ترجمه ادبی را چیزی ورای صرفاً برگرداندن متن از زبانی به زبانی دیگر می‌داند؛ این کار از نظر او تنها بخشی از فرایند ترجمه ادبی است که باید با توضیحات، نقد و راهنمایی مترجم کامل شود. همچنین مترجم تصمیم‌های خود را توجیه می‌کند و ضمن توضیح دادن دلایل انتخاب‌هایش، آگاهی خود را از هنجارها و قواعد ترجمه ادبی به رخ می‌کشد و برای خود وجهه حرفه‌ای‌تری به‌دست می‌آورد.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. paratext
2. tahir-Gürçağlar
3. Macksey
4. Zanettin
5. translational norms

6. agency
7. Schaffner
8. authorship
9. originality
10. anonymity
11. Kovala
12. Harvey
13. binding
14. Godayol
15. Narrative Theory
16. Baker
17. reframing
18. Paloposki
19. Agency
20. canonized literature
21. transliteration
22. simony
23. professional norms
24. expectancy norms

۸. منابع

- صفریان، محمدعلی و صالح حسینی (۱۳۷۲). ترجمهٔ *روبلینی‌ها*. تهران: نیلوفر.

References:

- Baker, M. (2006) *Translation and Conflict: A Narrative Account*, London & New York: Routledge.
- Baker, M. (2010) 'Narratives of terrorism and security: 'accurate' translations suspicious frame,' *Critical Studies on Terrorism*, 3 (3).Pp.347 – 364.
- Buzelin, H. (2011) 'Agents of Translation,' in Y. Gambier & L. van Doorslaer (Eds.), *Handbook of Translation Studies*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company, (Vol. 2.Pp. 6-12).
- Godayol, P. (2013) 'Gender and Translation,' in C. Millán & F. Bartrina (Eds.), *The Routledge Handbook of Translation Studies*, London and New York:

- Routledge, (Pp. 173-185).
- Harvey, K. (2003) Events' and 'Horizons': Reading Ideology in the 'Bindings' of Translations, in M. Calzada Pérez (Ed.), *Apropos of Ideology: Translation Studies on Ideology – Ideologies in Translation Studies*, Manchester: St. Jerome Publishing, (Pp. 43-69).
 - Kinnunen, T. & K. Koskinen (2010) *Translators' Agency*, Tampere: Tampere University Press.
 - Koskinen, K. (2000) *Beyond Ambivalence. Postmodernity and the Ethics of Translation*, Tampere: University of Tampere.
 - Kovala, U. (1996) "Translations, Paratextual Mediation, and Ideological Closure," *Target*, 8 (1).Pp. 119-147.
 - Paloposki, O. (2009) Limits of Freedom: Agency, Choice and Constraints in the Work of the Translator, in J. Milton & P. Bandia (Eds.), *Agents of Translation*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company, (Pp. 189-208).
 - Paloposki, O. (2010) The Translator's Footprints, in T. Kinnunen & K. Koskinen (Eds.), *Translators' Agency*, Tampere: Tampere University Press, (Pp. 86-107).
 - Safarian, M. A. & S. Hosseini (1993). *Dublinian Translation*. Tehran: Niloufar [In Persian].
 - Schäffner, C. (2010) Norms of Translation,' in Y. Gambier & L. van Doorslaer (Eds.), *Handbook of Translation Studies*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company, (Vol. 1.Pp. 235-244).
 - Shuttleworth, M. & M. Cowie, (1997) *Dictionary of Translation Studies*, Manchester: St Jerome.
 - Tahir-Gürçağlar, Ş. (2002) 'What Texts Don't Tell: The Uses of Paratexts in Translation Research,' in T. Hermans (Ed.), *Crosscultural Transgressions: Research Models in Translation Studies II, Historical and Ideological Issues*, Manchester: St. Jerome Publishing (Pp. 46-60).
 - Tahir-Gürçağlar, Ş. (2011) 'Paratexts,' in Y. Gambier & L. van Doorslaer (Eds.),

Handbook of Translation Studies, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company, (Vol. 2.Pp. 113-116).

- Zanettin, F. (2009) Comics, in M. Baker & G. Saldanha (Eds.), *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*, New York: Routledge (Pp. 37-40).